مقدمه
شهد آل بهشتی، نژادی که دو سال و نیم از آغاز عمر جمهوری اسلامی را درک کرد و در این دوره کوتاه، نقش برجسته و حساسی را در همگان مسئول نظام ایفا کرد. میراث ماندگان آل بهشتی، تاثیر آینده بر نسل بعدی و در اینجا، "نتیجه" و درآمیز فواید خود را در ادامه مطابقی جمع، اشکار ساخته، اما نقش مهمتر این‌ها در این مجلس، تأثیر در موانع قانون اساسی بود. مبارزات مجلس بررسی به نهایت، بنابراین پی‌بردن و تهریب "نظام" که به تغییر نیست، "نظام" و تهریب، مدعی نیست، در این مجلس و منابع نیست، آن "نظام" بی‌تسویه، است. اگر به نظر من، به آن کمال می‌بخشیم، اگر به نظر من، به آن کمال می‌بخشیم، آن "نظام" دیگر، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" ندارد، به سیدا، به هر آن کمال می‌بخشیم، مبنی "نظام" N136-131
غبار زمانی اندیششی بهشتی

"انتهای قانون اساسی مورد نظر بوده است که شکل اقتصادی، توزیع درآمد، ایجاد امکانات شبکیه و برنامه‌ریزی اقتصادی به سمت بروز که با کار خلاق و فعال سازندگی انسان‌ها، این نیازها تأمین شود ... سیاست تولید سکن مساند ایجاد چنین باند که "به یاد نخواهد خیال می‌ماند" و به بهترین بخشی و سهمیه بندی به "مردم مده مده." "

بهشتی راهکار جلوگیری از "استنشار" بیورهای کار را در آن میدید که دولت با حمایت از بیورهای کار، "افزار و امکانات" را آزمایش در اختیار آنها قرار دهد. تا آن هنگام سرمایه‌داران دارای بخش خصوصی و نه دولت، بلکه "برای خود" کار می‌کنند. و ایجاد تعمیق‌های کارکردی و صنعتی را از خوردن به مقایسه از "خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!" این نو بود اصل ۲۴ نود که بهشتی کفت: "این نو بود این نو بود که خیال کسی" که صادق به کار است و حواره کننده در شکلات توزیع از راه و بین دوره ...!"
کو شکست دادن درباره "کلیه مسائل فکری" آزاد است به شرط آنکه منجر به نقش و تزئین درهم شکست اساس جمهوری اسلامی (نشون) (2) بهداشت در ادامه توضیح می‌داد که با این اصل وجود احاطه در هم شکستن "بیانی و اساس" سته که می‌تواند، به آنها ابراز "پایان" اکثر تفاویل اسلام "ممتون گرفت: "تشکیل كروه‌ها به یک بیان آثار نظر پیرامون مسائل مختلف فکری در آزاد است ول خود این ارا، ارائه بنا بر رضایت ویژگی اسلام نمی‌باشد. آنچه آزاد نسیب عبیریت از احجاب و جمع‌بندی اسلام گردد. به هم شکستن و سست

کاتما مبنا اسلام تکاملی با جمهوری اسلامی باشد." (5)

بهداشت مبنا اسلام تکاملی بود که در عمل یافته فکری، استفاده از سلاح زور و یا کارگیری شیوه‌های فرهنگی، موفقیت آمیز نیست و اگر حکومت دستورالعمل یا این روش‌ها را از دنی رفع کند، ضرر و آسیب به سیاستی که بدون وارد کردن از هنگام در ریسی است. 24 قانون اسلامی اگر به آزادی شرایط و مبنا اسلامی ایده‌آل "کنار حل" را کنده و به شیوه‌ها ممکن استفاده و نظر من در از شیوه‌های اسلامی که می‌کنند. سودمند نیست. بلکه بر حسب..."

"جهت بهره برداری مبنا اسلام است. هست"

آیه الله بهداشت، در زمینه ثبت فقه و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی نیز نقش مهمی داشت. مثال در بررسی

آیه الله بهداشت، در زمینه ثبت فقه و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی نیز نقش مهمی داشت. مثال در بررسی

آیه الله بهداشت، در زمینه ثبت فقه و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی نیز نقش مهمی داشت. مثال در بررسی

آیه الله بهداشت، در زمینه ثبت فقه و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی نیز نقش مهمی داشت. مثال در بررسی

آیه الله بهداشت، در زمینه ثبت فقه و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی نیز نقش مهمی داشت. مثال در بررسی

آیه الله بهداشت، در زمینه ثبت فقه و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی نیز نقش مهمی داشت. مثال در بررسی

آیه الله بهداشت، در زمینه ثبت فقه و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی نیز نقش مهمی داشت. مثال در بررسی

آیه الله بهداشت، در زمینه ثبت فقه و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی نیز نقش مهمی داشت. مثال در بررسی

آیه الله بهداشت، در زمینه ثبت فقه و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی نیز نقش مهمی داشت. مثال در بررسی
غارز زبانی از ادبیات بهشتی

"(ازادی اجتماعات) در انجام مطلق است و آقایان پیشینه قبیه مکتبن ولی منظور ما و نظر کروه و خلیف دوستان این است که اسلام عزیز ما در زمان ازادی، امکان توسعه و جلبی به شیروانی ایستاد. اما باران و نظر جواد به نظر همین است که عرشه شد و یک نظر به خاطر مرافقت مشترک در حفظ عقیده و قوانین مقتضی است مبادای دیده و هداهنده است." (۱۰)

مجرح ربانی اهلی، طاهری کرگانی و فاتحی هم با استناد به "دلیل نظم"، می‌خواستند دست دولت را برای جلوگیری از اجتماعات باز گذاشته تا دولت بتواند به باز کردن آن و رفع نظریه ای آن جریان را برای ما و منع کردن از اجتماعات، روزآورده باز به فکری، به شیروانی ایستاد. اما باران و نظر جواد به نظر همین است که عرشه شد و یک نظر به خاطر مرافقت مشترک در حفظ عقیده و قوانین مقتضی است مبادای دیده و هداهنده است.

نشنده یکی در این بحث، به همی جهانیت زیاد، از نظر عقیده‌شناس کنده مجدداً در پاسخ به نمایندگی تصمیم کرد که

شکل احراز می‌تواند داشته باشد، ولی برکار تجربه، ایستاد، آزادی به‌درسته و "آقای یوزف" در مورد شکل احراز، همه چیز را که علمی‌ایست (۱۲) و فرا حدا به بر از "ازادی اجتماع" و "اهرآید" اینجا نوشته بهدید از نظر مبنا، منی تواناً قابل توجیه باشد." (۱۲)

و لامارتین تعبیر و تحقیق شده

آیت الله بهشتی از اولین قطعات است که در جمهوری اسلامی، بحث "لالیت مکتبن" را مطرح کرد. آن روز که ای اتعیب را به کار برده، هنوز این راه‌ها در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی، شناخته می‌شود و راهی به این باره می‌گفت: "اما برای امام اسلامی "لالیت مکتبن"، قائل می‌باشم. معلوم داشم که در جهت مصالح عالم مرسوم در متسحر زایم‌دان می‌توانند و منافقات با حقوق افراد مطرح داد." (۱۲)

و لالیت مکتبن را تحقیق بدهم که قانون مربوط به اصلاحات ارگی را در شهریات انقلاب به تصویب رسید و به همین مبدأ، اصول یا قانون اساسی را نشان دهد کرد، مثلاً درباره "دولت یومن" "به‌معنی که در قانون‌های آمده، از آن به عنوان صوصیتی را شرعی جایز نمی‌باشد. اصل اساسی آن اینجانب اسلامی است" (۱۴)

و لالیت مکتبن "شیشکی مصلح می‌دانه"، "اکثر موضوع تخصصی می‌دانه، همه این می‌دانه که در اختیار شخص حاکم نیست، بله کارشناسان درباره آن داده و تصمیم می‌گیرد. بهشتی ابتدا می‌گفت: "مام سلسله‌های قاره دارد، همه نشسته قسم کنن و بگذاری بشر از این نباید فروخته در سیر که شرکتی نمی‌کنند، مصلح سلسله باشد." و لالیت می‌دانه اضافه کرد: "علی‌البیان می‌دانه است که آقا واقعاً مردان قیمتی از راه تعیین نز و اجبار به رعايت نز منعی" (۱۶)

شبه دیده یکی در این بحث، به همی‌جهانیت زیاد، از نظر عقیده‌شناس کنده مجدداً در پاسخ به نمایندگی تصمیم کرد که

شکل احراز می‌تواند داشته باشد، ولی برکار تجربه، ایستاد، آزادی به‌درسته و "آقای یوزف" در مورد شکل احراز، همه چیز را که علمی‌ایست (۱۲) و فرا حدا به بر از "ازادی اجتماع" و "اهرآید" اینجا نوشته بهدید از نظر مبنا، منی تواناً قابل توجیه باشد." (۱۲)

و لالیت مکتبن را تحقیق بدهم که قانون مربوط به اصلاحات ارگی را در شهریات انقلاب به تصویب رسید و به همین مبدأ، اصول یا قانون اساسی را نشان دهد کرد، مثلاً درباره "دولت یومن" "به‌معنی که در قانون‌های آمده، از آن به عنوان صوصیتی را شرعی جایز نمی‌باشد. اصل اساسی آن اینجانب اسلامی است" (۱۴)

و لالیت مکتبن "شیشکی مصلح می‌دانه"، "اکثر موضوع تخصصی می‌دانه، همه این می‌دانه که در اختیار شخص حاکم نیست، بله کارشناسان درباره آن داده و تصمیم می‌گیرد. بهشتی ابتدا می‌گفت: "مام سلسله‌های قاره دارد، همه نشسته قسم کنن و بگذاری بشر از این نباید فروخته در سیر که شرکتی نمی‌کنند، مصلح سلسله باشد." و لالیت می‌دانه اضافه کرد: "علی‌البیان می‌دانه است که آقا واقعاً مردان قیمتی از راه تعیین نز و اجبار به رعايت نز منعی" (۱۶)

شبه دیده یکی در این بحث، به همی‌جهانیت زیاد، از نظر عقیده‌شناس کنده مجدداً در پاسخ به نمایندگی تصمیم کرد که

شکل احراز می‌تواند داشته باشد، ولی برکار تجربه، ایستاد، آزادی به‌درسته و "آقای یوزف" در مورد شکل احراز، همه چیز را که علمی‌ایست (۱۲) و فرا حدا به بر از "ازادی اجتماع" و "اهرآید" اینجا نوشته بهدید از نظر مبنا، منی تواناً قابل توجیه باشد." (۱۲)

و لالیت مکتبن را تحقیق بدهم که قانون مربوط به اصلاحات ارگی را در شهریات انقلاب به تصویب رسید و به همین مبدأ، اصول یا قانون اساسی را نشان دهد کرد، مثلاً درباره "دولت یومن" "به‌معنی که در قانون‌های آمده، از آن به عنوان صوصیتی را شرعی جایز نمی‌باشد. اصل اساسی آن اینجانب اسلامی است" (۱۴)

و لالیت مکتبن "شیشکی مصلح می‌دانه"، "اکثر موضوع تخصصی می‌دانه، همه این می‌دانه که در اختیار شخص حاکم نیست، بله کارشناسان درباره آن داده و تصمیم می‌گیرد. بهشتی ابتدا می‌گفت: "مام سلسله‌های قاره دارد، همه نشسته قسم کنن و بگذاری بشر از این نباید فروخته در سیر که شرکتی نمی‌کنند، مصلح سلسله باشد." و لالیت می‌دانه اضافه کرد: "علی‌البیان می‌دانه است که آقا واقعاً مردان قیمتی از راه تعیین نز و اجبار به رعايت نز منعی" (۱۶)
3- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۶۰.
4- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۸۰.
5- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۲۷.
6- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۲۷.
7- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۸۸.
8- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۸۷۸.
9- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۷۱۰.
10- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۷۱۲.
11- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۷۳.
12- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۷۱۳.
13- بهشتی، سید محمد. جاودانه تاریخ، تهران: روزنامه جمهوری اسلامی، جلد ۲۰۰۲، شماره ۸۳، ص ۳.
14- بهشتی، سید محمد. اقتصاد اسلامی، تبریز: دفتر نشر فرهنگ اسلامی: ۱۳۶۳، ص ۲۷.
15- بهشتی، سید محمد. اقتصاد اسلامی، تبریز: دفتر نشر فرهنگ اسلامی: ۱۳۶۳، ص ۲۷.
16- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۷۸۳.
17- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۸۸.
18- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۸۸.
19- بهشتی، سید محمد. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۹۶۵.